عدم تعیین یکی از قرائات «ملک» و «مالک» در سوره حمد

شاگرد: احتمال ندارد که این تقیه حدوثا بوده باشد و به دلائل دیگری در بقاء خلاف این تقیه را نگفته باشند؟

استاد: من عرض کردم مرحوم محدث نوری در کتاب فصل الخطاب میگویند: چرا میگویید در واضحات اختلاف نمیشود؟! بعد شروع میکنند به مثال زدن. جالب این است که تمام مثالهایی که میزنند علیه خودشان است. همین فرمایش شما است. ایشان میگویند اذان، نماز میت، قنوت و خیلی از چیزها را ردیف میکنند. در تمام این مواردیکه ایشان گفتهاند نظر شیعه معلوم است. شیعه تا آخر کار نیامدند بگویند ما داریم تقیه میکنیم. نظر شیعه معلوم است و شعار آنها معلوم است. چطور شد تقیه همه آنها بر طرف شد...؟! به غسل رجل هم مثال میزنند. امر محل ابتلائی بیشتر از وضو میشود؟ مرحوم نوری میگویند که مسلمانان اختلاف کردهاند. خب نظر شیعه معلوم نیست؟! وقتی «مالک» میخوانید در قرآن دست بردهاید، چرا؟ شیخ الطائفه فرمودند تمام مصاحف عالم اسلام «ملک» بوده.

قبلاً عرض کردم. اصلاً نوشتن «مالک» برای زمانهای متأخر است که رسم الامالاء را آوردهاند. البته در آن اختلاف است. طاهر خوشنویس و دیگران بودند. الآن در شروح عروه میگویند بگردیم و ببینیم در جایی «ملک» نوشته شده بوده ای نه؟ گفته شده که در برخی از مصاحف «ملک» است! پناه بر خدا! چون در اران طاهر خوشنویس و امثال او «مالک» نوشتهاند باید برویم ببینیم جایی «ملک» بوده ای نه! در تبیان این از واضحات مطالب است، وقتی ما با چیزی انس میگیریم این واضحات کنار میرود. چون در تمام مصاحف «مالک» نوشته نشده بود. خب شیعه چه کار میکند؟ شیعه گفته «ملک» نوشته باشد، شیخ الطائفه و سائرین گفتهاند که شما میتوانید هر دو آنها را بخوانید. چرا؟ چون چهار نفر از قراء سبعه «ملک» خواندهاند و سه تا از آنها «مالک» خواندهاند. هر کدام را بخوانید جایز است. در نماز هم برید الذمه میشوید قطعاً. به تعبیر علامه حلی «بالخلاف».

یادتان هست که عبارت ایشان را خواندم. فرمودند دو تا از اینها نزد من احب است ولو اگر به قرائت های دیگر هم بخوانند، «صحت صلاته بالخلاف». این در حالی است که میگفتند ما در نماز باید قطعاً قرآن بخوانیم. باید قرآنیت آن قطعی باشد که من عند الله است. این را اول میگویند و بعد میگویند «صحت صلاته بالخلاف». اینها چیزهای کمی نیست.

موارد دیگر را هم عرض میکنم. ببینید اگر اجماع رخصت و تقیه بود، بعد از اینکه شیخ در تبیان فرمودند امامیه میگویند حرف واحد است، قول ابن قتیبه را در توضیح احرف سبعه میآوردند؟! قول ابن قتیبه چه بود؟ این بود که اختلاف قرائات هفت نوع است. همه آنها را بیان کرد؛ وجوه قرائت مختلفی بود که قرائت شده بود. شیخ چه فرمودند؟ فرمودند اصلح الوجوه در معنای سبعة احرف این قول است. چرا؟ «لما روی عنهم علیهمالسلام تجوز القرائة بما اختلف فیه القراء» یا «بما شاء بین القراء».

مرحوم آقای خوئی در التنقیح وقتی میخواهند روایات دال بر این طرف را بیاورند، اول آن همین قسمت تبیان و مجمع را میآورند. البته بعد میگویند که این مرسل است. شیخ که برای آن سند نیاوردهاند. شیخ مرسلا گفتهاند «روی عنهم تجویز القرائة بما اختلف فیه القراءة». خب اگر این اجماع ممالشات بود شیخ این تجویز را موید حرف ابن قتیبه قرار میدادند؟! ربطی پیدا نمی کرد. ما شیعیان رخصات اجماع کردهایم. ائمه هم که فرمودند تقیات و رخصات. پس حرف ابن قتیبه درست است. اینها چه ربطی به هم دارند؟! خود این استدلال شیخ بر تجویز ائمه برای تأیید ابن قتیبه دال بر این است که نزد شیخ طوسی اجماع شیعه، ممالشات نبوده است. اگر تقیه بود که تأیید نمیشد. اینها نکات بسیار مهمی در فهم آنها است.

بازبینی #1
ایجاد شده 25 آوریل 2024 17:01:14 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 آوریل 2024 17:02:29 توسط ... .